

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۸/۲۳

صفحات: ۲۰۳-۱۷۵

تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان

استان هرمزگان*

سهیل سهیلی نجف آبادی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، گروه علوم سیاسی، ایران، قشم

چکیده

هدف اصلی این پژوهش این است که توضیح دهد چگونه آموزش درس قانون اساسی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان هرمزگان می‌تواند بر مشارکت سیاسی دانشجویان کارشناسی که این درس را می‌گذرانند، تاثیر بگذارد. چرا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که پس از انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ بر اساس اسلام، مورد تصویب قرار گرفت، در مورد حاکمیت مردم، آزادی‌های فردی و اجتماعی، انتخابات، توزیع قدرت و استقلال قوا، حل معضلات نظام، اصول مهمی بیان نموده است که اجرای آنها موجب مشارکت سیاسی و در نتیجه توسعه سیاسی می‌شود. نتیجه این پژوهش که با روش توصیفی و پیمایشی انجام شده است به طور خلاصه نشان می‌دهد چگونه آموزش اصول قانون اساسی که در مورد مشارکت سیاسی هستند، توانسته منجر به افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در استان هرمزگان در مقطع کارشناسی شود.

کلید واژگان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی، آموزش، مشارکت سیاسی، دانشجویان

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان» با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم است که به این وسیله از این معاونت تشکر و قدردانی می‌شود.

استان هرمزگان.

مقدمه

مشارکت سیاسی مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت موثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی؛ و تأثیر گذاشتن بر سیاست دولت است. به علاوه مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه افراد و اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست گذاری‌های عمومی است. بر اساس این تعریف‌ها مشارکت سیاسی یکی از اجزای توسعه سیاسی است و هر چه میزان مشارکت سیاسی در جامعه‌ای بیشتر باشد، توسعه سیاسی در آن جامعه عمق بیشتر دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس اصول اسلام تدوین شده است، برای افزایش ظرفیت سیاسی نظام به توسعه سیاسی توجه شده است و راهکارهایی برای مشارکت سیاسی در نظر گرفته شده است و خود اسلام نیز بر مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش به عنوان نوعی مشارکت سیاسی تأکید کرده است به طوری که آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ» آن را نشان می‌دهد. اما مسأله‌ای دیگر که به نظر می‌رسد می‌تواند بر مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشد، آموزش اصول قانون اساسی به مردم و به ویژه دانشجویان، به عنوان ذهن بیدار جامعه، است. امری که در دانشگاه‌های استان هرمزگان در مقطع کارشناسی به آن اهمیت داده شده و همه دانشجویان این مقطع این درس را آموزش می‌بینند. از نقطه نظر هدف انجام این تحقیق، اصلی‌ترین هدف موضوع پژوهش حاضر، تمرکز بودن آن بر یک حوزه و منطقه خاص یعنی استان هرمزگان در ارتباط با قانون اساسی جمهوری اسلامی و مشارکت سیاسی دانشجویان در این منطقه است که جنبه‌ای نوآورانه به آن می‌بخشد. پرسش اصلی مقاله چنین است که «آموزش درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های استان هرمزگان به چه میزان بر افزایش مشارکت سیاسی آنها به صورت رسمی و غیررسمی تأثیر گذارده است؟» و در فرضیه پاسخ دهنده به آن آمده است: «آموزش درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از طریق آشنایی دادن دانشجویان با حق حاکمیت مردم، انتخابات و ویژگی‌های آن، آزادی‌ها، توزیع قدرت، استقلال قوا و ساز و کارهای حل معضلات نظام در قانون اساسی موجب شده است تا مشارکت سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های استان هرمزگان در نهادهای رسمی مشارکت سیاسی همچون انتخابات و احزاب، مشارکت و نهادهای غیررسمی مشارکت سیاسی همچون تجمعات و

گروه‌های سیاسی قانونی افزایش یابد.» بر اساس این فرضیه، متغیر مستقل پژوهش، آموزش درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه‌های استان هرمزگان و متغیر وابسته آن، میزان مشارکت سیاسی دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های استان هرمزگان می‌باشد. با توجه به روش پژوهش که توصیفی و نیز پیمایشی است برای روش پیمایشی دو فرضیه فرعی، از فرضیه اصلی استخراج شده است که در فرضیه فرعی اول آمده است: «آموزش درس قانون اساسی به دانشجویان مقطع کارشناسی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان هرمزگان موجب آشنایی آنها با اساس مشارکت سیاسی از جمله حق حاکمیت مردم، انتخابات، آزادی‌های قانونی، توزیع قدرت، استقلال قوا، و ساز و کارهای حل معضلات نظام در قانون اساسی شده است.» و در فرضیه فرعی دوم آمده است: «آشنایی دانشجویان مقطع کارشناسی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان هرمزگان با حقوق سیاسی خود موجب افزایش مشارکت سیاسی آنان در نهادهای رسمی همچون انتخابات و احزاب، و نهادهای غیررسمی همچون جمععات و گروه‌های سیاسی شده است.» سازمان مقاله نیز چنین است که پس از مقدمه، مبانی نظری پژوهش، سپس تاریخچه پژوهش، بعد از آن آزمون فرضیه پژوهش به صورت توصیفی و آماری و در نهایت نتیجه‌گیری قرار دارد.

۱. مبانی نظری: توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی

الف. توسعه سیاسی

۱) تعریف توسعه سیاسی

در تعریفی خلاصه، «توسعه سیاسی، دستیابی به موقعیتی است که طی آن یک نظام سیاسی به جستجوی آگاهانه موفقیت‌آمیز برای افزون شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود از طریق نهادهای مؤثر و موفق نایل آید.» (Coleman, 1983: 49) اما به طور کلی اندیشمندان سیاسی از سه دیدگاه توسعه سیاسی را تعریف کرده‌اند: گروه اول، «عده‌ای توسعه سیاسی را مرتبط با توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. استدلال این عده بر این مبنا استوار است که توسعه سیاسی، سیاست جوامع صنعتی و یا روند چند بعدی تغییرات اجتماعی را مدنظر دارد. گروه دوم معتقد است توسعه سیاسی در ارتباط با سازمان سیستم سیاسی و ساختارهای مدیریتی یک جامعه (دولت- ملت) مطرح می‌گردد. گروه سوم توسعه

سیاسی را در ارتباط با ارزش‌های سیاسی، نظیر بسیج توده‌ای و رابطه بسیج و قدرت و حرکت به سمت دموکراسی تفسیر و توجیه می‌نمایند.» (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۹: ۹۱)

۲) نظریه کارکردگرایی توسعه سیاسی

گابریل آلموند به همراه جیمز کلن دو نظریه‌پرداز هستند که مطالعه در مورد توسعه سیاسی را در بطن نظریه کارکردگرایی آغاز کردند. «این نظریه، جامعه یا نظم سیاسی را به مثابه مجموعه‌ای از عناصر به هم وابسته در نظر می‌گیرد، به طوری که هر یک از این عناصر به گونه‌ای خاص در کار سازماندهی و کارکرد همان مجموعه‌ای که خود نیز جزئی از آن به شمار می‌رود مشارکت دارد. از این زوایه تحلیل کارکردی به دنبال تشخیص این مشارکت‌ها (یا کارکردها) و پاسخ‌هایی است که این کارکردها به نیاز ویژه حفظ و تطبیق مجموعه موردنظر به ارمغان می‌آورد. ... این دو نویسنده، پس از آن که نظام سیاسی را به نظم کنش متقابل تعریف کردند که کار ویژه‌ها ادغام و تطبیق را از طریق توسل به تهدید یا اجبار فیزیکی مشروع به انجام می‌رساند، توسل به صورت مسأله کارکردگرایانه را بر چهار فرضیه اساسی ناظر بر ماهیت روابط سیاسی، توجیه می‌کنند: اول، تمامی نظام‌های سیاسی در هر سطحی از توسعه، مجهز به ساختارهای سیاسی قابل مقایسه با ساختارهای موجود در جوامع نو هستند و تنها درجه تداوم و تخصص‌گرایی آنها متفاوت است. دوم، در تمامی نظام‌های سیاسی کارویژه‌های یکسانی صورت می‌پذیرد: تنها فرق آنها «آهنگ تحقق» و «تنوع ساختارها» و شیوه انجام آنهاست. سوم، تمامی نظام‌های سیاسی چند کارکردی هستند، یعنی به شیوه‌های متعدد در کارکرد نظام سیاسی مشارکت می‌کنند. چهارم، تمام نظام‌های سیاسی ترکیبی هستند، یعنی هرگز کاملاً نو یا کاملاً سنتی نیستند. از این رو توسعه جهانشمول و همیشگی است.» (بدیع، ۱۳۷۶: ۴۹)

۳) شرایط ایجاد توسعه سیاسی

توسعه سیاسی وقتی حاصل می‌شود که: اول، «گروه‌ها و نیروهای اجتماعی گوناگون بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان دهند. دوم، در درون ساختار سیاسی نهادهای گوناگونی توسعه یافته باشد و حکومت براساس پیچیدگی و گستردگی نهادهای سیاسی بتوانند به تلفیق علایق و منافع گوناگونی بپردازند. همچنین روش‌های مسالمت‌آمیزی برای حل اختلاف و منازعات پدید آمده باشد و از جمله روش‌هایی برای دست به دست شدن قدرت سیاسی در بین گروه‌ها و نیروهای گوناگون

وجود داشته باشد. در نتیجه با گسترش نهادها، سیاست اساساً غیرشخصی و باثبات گردد و امکان اعمال خشونت سیاسی در وجوه گوناگون آن کاهش یابد. سوم، در درون نهادهای سیاسی مستقر مجال مشارکت و رقابت سیاسی مستمر و مسالمت‌آمیز وجود داشته باشد. چهارم، مجموعه ساختارها و فرآیندهای بالا از استمرار و مشروعیت گسترده‌ای برخوردار بوده و به صورت قانونی یعنی در قانون اساسی نهادینه شده باشد.» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱-۲)

اما در جمع بندی نظریه پردازان توسعه سیاسی ویژگی‌های جامعه توسعه یافته را چنین برشمرده‌اند: تفکیک ساختاری، تخصصی و عقلانی شدن نهادها، افزایش ظرفیت نظام سیاسی، بسط مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها تصمیم‌گیری‌ها، تمرکززدایی از قدرت سیاسی، و جامعه‌پذیری سیاسی مردم، وجود احزاب و گروه‌های سیاسی.

ب. مشارکت سیاسی

۱) تعریف مشارکت سیاسی

از دیدگاه برکلی مشارکت سیاسی، «حقی انسانی است که به لحاظ ارزشی و آزادسازی و اعتماد به خویشتن انسان و از لحاظ ابزاری به بسیج و نقش آفرینی توده‌های انسانی در فرآیندهای عینی حیات اجتماعی منجر می‌شود. مشارکت بخش جوهری و اساس رشد انسان است و آن توسعه خود اعتمادی با ابتکار و سربلندی، فعالیت، مسئولیت پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین توسعه و تحولی در درون مردم، تلاش و اقدام برای فقرزدایی و توسعه نیافتگی اگر غیرممکن نباشد دست کم با مشکل مواجه خواهد بود.» (Berkeley, 1996: 65) مشارکت سیاسی از نظر هانتینگتون و نلسون عبارت از «کوشش‌های غیردولتی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی است.» (Huntington, 1970: 14) مک کلاسیکی مشارکت سیاسی را «آن دسته کنش‌های داوطلبانه‌ای می‌خواند که از طریق آن، اعضای یک جامعه در گزینش حاکمان به طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی سهیم می‌شوند.» (Sills, 1968: 249)

۲) سلسله مراتب مشارکت سیاسی

از نظر مایکل راش، «هدف سلسله مراتبی مشارکت نباید چیزی بیش از توصیف انواع گوناگون

مشارکت در ارتباط با این گزاره باشد که هرچه سطح فعالیت بالاتر باشد میزان مشارکت که بر حسب تعداد افراد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می شود، پایین تر است. این سلسله مراتب باید شامل تمام موارد مشارکت سیاسی و بر همه انواع نظام های سیاسی قابل انطباق باشد. (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۵) سلسله مراتب مشارکت سیاسی از دیدگاه راش به ترتیب نزولی به قرار زیر است: (۱) داشتن مقام سیاسی؛ (۲) جستجوی مقام سیاسی در نظام سیای- اداری؛ (۳) عضویت فعال در یک سازمان سیاسی؛ (۴) عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی؛ (۵) مشارکت در اجتماعات عمومی (تظاهرات، راهپیمایی و...؛ (۶) عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی؛ (۷) عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی؛ (۸) مشارکت در بحث های سیاسی؛ و (۹) اندکی علاقه به سیاست و رأی دادن.

۳) جنبه های مشارکت سیاسی

می توان از دو جنبه از مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی سخن گفت که قابلیت انطباق پذیری عملی زیادی دارد: یکی، مشارکت سیاسی رسمی: «هرگونه عمل داوطلبانه ای که اعضای جامعه به منظور حمایت نظام سیاسی و تأثیر گذاری بر آن در چهارچوب های مشخص و تعیین شده که به طور رسمی و برنامه ریزی شده توسط سازمان ها و نهادهای رسمی کشور صورت می گیرد انجام می دهد.» (وٹوقی و هاشمی، ۱۳۸۲: ۷۵) در این زمینه شرکت در انتخابات مختلف، مشارکت در تظاهرات و راهپیمایی های سیاسی رسمی- دولتی را می توان از موارد مشارکت سیاسی رسمی دانست. دوم، مشارکت غیر رسمی: «هر گونه عمل داوطلبانه ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیر گذاری بر نظام و جریان های سیاسی و در خارج از چهارچوب های تعیین شده و رسمی توسط سازمان ها و نهادهای رسمی یک کشور انجام می دهند. این نحوه مشارکت شامل هرگونه فعالیت سیاسی می شود که در کنش متقابل بین افراد و در رابطه آنها با حکومت انجام می شود و ساخت و شکل از پیش تعیین شده و برنامه ریزی شده ای ندارد.» (وٹوقی و هاشمی، ۱۳۸۲: ۷۵) در این زمینه می توان اقداماتی از قبیل حضور در تظاهرات، نوشتن نامه ها، رأی گیری از افراد، امضای طومار، مشارکت اینترنتی و... اشاره کرد.

۲. تاریخچه: انقلاب اسلامی و مشارکت سیاسی

از نظر تاریخی «در تاریخچه پیشینه انقلاب‌ها، جنبه‌های مشترکی وجود دارد، تقریباً همه آنها با جنبش‌های مردمی آغاز شده‌اند، به طوری که امید و خوشبینی گسترده‌ای را در سطح داخلی و بین‌المللی برانگیخته‌اند، ولی دیری نپاییده است که به بحران اقتصادی و سرکوب سیاسی یا به شکست انجامیده‌اند ... شمار کمی از این جنبش‌ها برچسب انقلاب اجتماعی دارند، در حالی که بسیاری دیگر از آنها در ایجاد نوعی تحول ژرف و قابل توجه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بازمانده‌اند.» (فوران، ۱۳۸۲: ۲۹۸) از جمله این جنبش‌ها که توانسته یک انقلاب اجتماعی را در سال ۱۳۵۷ به ثمر رساند، جنبش اسلامی ایران بوده است. این جنبش بسیار ریشه‌دار بوده و پیوستن مردم به آن یا به عبارتی مشارکت سیاسی در آن به زمینه‌های ذهنیتی و تجارب تاریخی و احساس مردم ایران از اسلام بازمی‌گردد که از دوره صفوی به این سو، روی هم انباشته شده و یک هویت مذهبی شیعی را شکل داده است. بر اساس همین تجربه تاریخی باید گفت که «انقلاب ۱۳۵۷ ایران، مانند بسیاری از انقلاب‌ها، چندین گروه، طبقه و حزب با عقاید ناهمگون را که مخالف رژیم کهنه بودند، متحد ساخت.» (کدی، ۱۳۸۳: ۱۵) در حقیقت تمام این جریان‌ها زیر پرچم اسلام متحد شدند و این اتحاد مرهون وجود شبکه گسترده و استقلال مالی روحانیون بود. به عبارت دیگر «در این زمان، مکتب اسلام به عنوان جوهره مشترک فرهنگ عمومی، چیز لازم را برای متحد کردن و متمرکز کردن قوای مردم ناراضی در اختیار داشت و سازمان و رهبری نهضت، به مدد این عقاید و آرمان‌های مشترک، اکثریت قریب به اتفاق مردم را برای حرکت انقلابی، بسیج و تجهیز نمودند. باید توجه داشت که شاه با داشتن نیروی وسیع نظامی، انتظامی و امنیتی و بهره‌مندی از حمایت‌های وسیع خارجی با روش‌های متعارف سیاسی یا جنگ مسلحانه چریکی، قابل براندازی نبوده؛ اما در مقابل حضور همه‌جانبه همه افسار ملت در راهپیمایی، تظاهرات و اعتصابات و شعارهای انقلابی، در کمتر از یک سال سقوط کرد و این اتحاد و بسیج عمومی فقط در سایه آموزه‌های توحیدی دین اسلام میسر گردید.» (حسنت‌زاده، ۱۳۷۷: ۳۱۹) همه این موارد در واقع از عناصر ایجاد مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی به شمار می‌رود چرا که «در آرمان انقلاب اسلامی چهار رکن حکومت بر مبنای تعالیم الهی، استقلال، آزادی و عدالت وجود دارد» (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۷) که بستر مناسب مشارکت و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورده است و این بستر در

قانون اساسی نهادینه شده است.

۳. تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان هرمزگان
الف. بررسی مفاهیمی که دانشجویان در درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌آموزند

مردم در جمهوری اسلامی ایران نه تنها می‌تواند به عنوان رای دهنده در انتخابات مختلف شرکت کنند که از حقوق اساسی آنان است، بلکه می‌تواند به عنوان نامزد در انتخابات مختلف شرکت کنند و از آزادی‌های قانونی مصرحه در قانون اساسی برای مشارکت در فرآیند سیاسی کشور استفاده نمایند، اما همه این موارد نیازمند دیدن آموزش و یافتن درک درست از فرآیند مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران و است که از آن در ادبیات توسعه سیاسی با عنوان آموزش مدنی نام برده می‌شود. «هدف آموزش مدنی، هم نظری و عملی و هم اخلاقی است، و در آن هم شهروندان و هم سیاستمداران مورد نظر هستند. امروز هدف نهایی از آموزش دانش سیاسی در سطح عمومی، هم پرورش شهروندان برای زندگی مدنی و سیاسی و هم آموزش سیاستمداران در انجام کارویژه‌های خود به بهترین شیوه ممکن است. در عصر جدید، سیاست دیگر به درون دیوارهای کاخها و دژهای حکومتی محدود نیست، بلکه جزیی از زندگی عمومی شده است. از این رو آموزش مدنی و سیاسی شهروندان و به ویژه جوانان به آنها امکان می‌دهد تا خود را برای تامل درباره مسائل و سیاست‌های عمومی و مشارکت در حل آنها آماده سازند. ... به نظر می‌رسد که در فرآیند گسترش مشارکت و رقابت سیاسی در ایران، آموزش دانش سیاسی، دست کم به یکی از نیازهای عمومی دانشجویان تبدیل شده است.» (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۴) در این رابطه نهادهای آموزشی جامعه مثل آموزش و پرورش و آموزش عالی نقش بسیار مهمی دارند. چرا که نهادهای آموزشی «امروز در همه کشورها از والاترین وظیفه‌های سیاسی و اجتماعی دولت‌ها و نیز با ارج ترین دست آوردهای جامعه انسانی به شمار می‌رود. ... امروز همه کارشناسان اجتماعی و سیاسی معترفند که آینده دولت- ملت‌ها، بستگی و پیوند تنگاتنگ با سیاست آموزشی دولت‌های آنها دارد.» (ابوالحمد، ۱۳۶۵: ۵۵۵) در این راستا نباید از نقش دانشگاه آزاد اسلامی در آموزش سیاسی غافل

تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان

شد. بر این اساس در استان هرمزگان در همه واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، آموزش درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مقطع کارشناسی به عنوان یک واحد درسی در نظر گرفته شده است. آنچه در این درس آموزش داده می شود را می توان بر اساس کتب آموزش موجود را به دو بخش تقسیم کرد، یکی مفاهیمی که به طور غیر مستقیم به ذهن دانشجو وارد می شود و دیگری مفاهیمی که به طور مستقیم وارد ذهن دانشجو می شود و وی را با حقوق اساسی فرد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز مکانیزم های تصمیم گیری و حل اختلافات در این نظام آشنا می سازد، این فرآیند آموزشی می تواند، دانشجویان را به مشارکت سیاسی بیشتر ترغیب نماید و در واقع هدف از انجام آن نیز همین است. از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برخاسته از متن اسلام است، لذا دانشجویان در فرآیند این آموزش به طور غیرمستقیم و نظر اسلام درباره مشارکت سیاسی آشنا شده و به طور مستقیم با مفاهیمی نظیر تغییرات بنیادین در ایده حقوقی حاکم بر جامعه (قانون اساسی)، تغییرات بنیادین در ساختارها (نظام نوین) و خود اصول ناظر بر مشارکت سیاسی در قانون اساسی آشنا خواهد شد.

ب. آشنایی دانشجویان با تغییرات بنیادین در ایده حقوقی حاکم بر جامعه در درس قانون اساسی

با وقوع انقلاب اسلامی نیاز برای تدوین یک قانون اساسی کارآمد و منطبق با آرمان های انقلاب بسیار احساس شد. اما پیش از آن لازم بود تا نوع نظام سیاسی توسط مردم انتخاب شود. از این رو چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، امام خمینی (ره) دولت موقت را مأمور انجام این فرآیند و تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی کرد. از نقطه نظر مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود پس از انقلاب اسلامی می توان گفت: «علی رغم اعتقاد مردم به امام خمینی (ره) به عنوان مرجع دینی و رهبر انقلاب، و امکان اداره امور توسط ایشان به نحو مستقیم، از اولین اقدامات ایشان فرآیند در خصوص نظام حکومتی در ایران بود. بر این اساس در تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ با رأی مثبت ۹۸ درصد کل شرکت کنندگان، نظام سیاسی ایران به «جمهوری اسلامی» تبدیل شد و تعداد کل شرکت کنندگان در این انتخابات ۲۰۴۴۲۴۳۸ نفر بود.» (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰) تعداد بالای مشارکت

سیاسی افراد در این رفراندوم اولین نشانه توسعه سیاسی ایران پس از انقلاب بود. پس از اینکه نوع نظام سیاسی مشخص شد، نوبت به نگارش قانون اساسی جمهوری اسلامی شد و روند تاریخی به وجود آمدن این قانون اساسی را می‌توان چنین بود که «در ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸، شورای انقلاب قانون انتخابات مربوط به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی را تصویب کرد. در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۵۸، هفتاد و سه نفر اعضای این مجلس با رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب گردیدند. مجلس مذکور، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ افتتاح شد و در ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸، پس از شصت و هفت جلسه عمومی که پیشنهادهای کمیسیون‌ها را رسیدگی نمود خاتمه یافت. در طول این مدت گروه‌ها و اقشار مختلف پیشنهادهای خود را ارائه نمودند و رسانه‌های ارتباط جمعی و روزنامه‌ها و جراید نیز موضوعات مختلف را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند و قانون اساسی برگرفته از متن اسلام را به مردم ارائه نمودند، در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ نیز، همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد و با ۹۹/۵ درصد آراء به تصویب مردم رسید و مجموع آراء اخذ شده در این انتخابات ۱۵۷۵۸۹۵۶ رأی بود.» (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۶: ۱۱) برگزاری این دو انتخابات دیگر و شرکت تعداد زیادی از مردم در آن نیز، نشانه‌ای دیگر از افزایش مشارکت سیاسی و ظرفیت نظام سیاسی بعد از انقلاب بود. در سال ۱۳۶۸ نیز قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و دوباره با رأی بالای مردم به تصویب رسید.

پ. آشنایی دانشجویان با ساختار نظام جمهوری اسلامی در درس قانون اساسی

در بررسی ساختار جمهوری اسلامی بر اساس نظریه کارکردگرایانه توسعه سیاسی آلموند و کلمن، نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، مبانی مشروعیتی است. «نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران بنا به قانون اساسی دارای سه مبنای مشروعیت است: یکی مشروعیت و اقتدار تئوکراتیک-کارزماتیک که در قالب نهاد ولایت فقیه ظاهر شده است؛ دوم اقتدار سنتی-روحانی که مظهر اصلی آن شورای نگهبان و سپس قوه قضائیه است؛ و سوم اقتدار قانونی-دموکراتیک که مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست جمهوری و شوراها مظاهر اصلی آنند.» (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۹) که بر این اساس میتوان تمایز ساختاری نظام سیاسی و تخصصی شدن نهادهای سیاسی را دریافت که عبارتند از نهاد رهبری به عنوان حافظ ثبات نظام سیاسی و سه قوه مجریه، مقننه و قضایی. به جز نهاد رهبری و سه

قوه منفک از هم در قانون اساسی مبحث دیگری نیز به نام «شوراها» وجود دارد. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فصل هفتم را به بحث «شوراها» اختصاص داده است. اهداف شوراها براساس اصول مختلف قانون اساسی عبارتند از: پیشبرد سریع برنامه‌های مختلف جامعه از طریق مردم؛ تمرکززدایی (و مشارکت و همکاری مردم در امور خود)؛ جلوگیری از تبعیض؛ نظارت مردم در امور؛ تأمین قسط؛ و ایجاد هماهنگی در امور» (نجفی‌اسفاد و محسنی، ۱۳۸۶: ۴۲۶-۴۲۵) در همه این ساختارها به مشارکت مردم توجه شده است و انتخاب نخبگان برای هر نهاد به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق رای مردم انجام می‌شود و به این ترتیب می‌توان گفت «بر اساس این ساختار که در قانون اساسی برای جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است یک مردم‌سالاری دینی یا توحیدی به وجود آمده است.» (حسینی‌قائم مقامی، ۱۳۷۹: ۴۴۹)

ت. آشنایی دانشجویان با اصول ناظر بر مشارکت سیاسی در قانون اساسی در درس قانون اساسی

اصولی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره مشارکت سیاسی دانشجویان در درس قانون با آن آشنا می‌شوند، حول پنج محور حاکمیت مردم، انتخابات، آزادی‌های قانونی، توزیع قدرت و استقلال قوا، و ساز و کارهای حل معضلات نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی، قرار دارد و برای هر کدام نمونه‌هایی بیان می‌شود.

۱) آشنایی دانشجویان با حق حاکمیت مردم در درس قانون اساسی

در مورد حاکمیت مردم اولین اصل قانون اساسی که قابل بررسی است، اصل یکصد و هفتم قانون اساسی ۱۳۵۸ است که در مورد رهبری است: «هرگاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همان‌گونه که در مورد مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله العظمی امام خمینی چنین شده است، این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارد، در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند...» (منصور، ۱۳۸۲: ۹۹) پس انتخاب اولین رهبر انقلاب اسلامی توسط غاطبه مردم در دوران انقلاب، در مقدمه قانون

اساسی، مجلس خبرگان نماینده مردم به شمار می‌آید که کار تدوین قانون اساسی را به عهده داشته است و این یعنی تجلی حاکمیت مردم.» (منصور، ۱۳۸۲: ۲۴) البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حاکمیت اصلی از آن خداوند تبارک و تعالی است که از طرف او حق حکومت به پیامبران و امامان در دوره غیبت به علمای شیعه سپرده شده است. در جمع میان اسلام و جمهوری که جمهوری اسلامی را به وجود آورده است، این حق در کنار حق مردم برای انتخاب سرنوشت سیاسی خود به صورت متفوق آمده است و مشورت در امر حکومت حق اساسی حاکمیت مردم شمرده شده است. در اصل هفتم قانون اساسی آمده است: «طبق دستور قرآن کریم: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ يُبَيِّنُ لَهُمْ» [(و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است / سوره شوری، آیه ۳۸)] و «شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ» [(در کار با آنان مشورت کن / سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)] شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.» (منصور، ۱۳۸۲: ۲۹) به علاوه اصل نودم که در مورد رجوع به مجلس شورای اسلامی برای شکایت از دیگر قوا می‌باشد، ناظر بر حق حاکمیت مردم است.

۲) آشنایی دانشجویان با انتخابات در درس قانون اساسی

حق مشارکت سیاسی مردم در اصول مربوط به انتخابات نیز متجلی گردیده است و انتخابات خود یکی از جلوه‌های توسعه سیاسی به شمار می‌آید. به این ترتیب چون برخی از اصول قانون اساسی یکی از جلوه‌های توسعه سیاسی به شمار می‌آید. به این ترتیب چون برخی از اصول قانون اساسی هم به موضوع انتخابات پرداخته‌اند و هم به موضوع حاکمیت مردم در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند. اولین ماده این بخش، اصل ششم قانون اساسی است که بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» (منصور، ۱۳۸۲: ۲۸) به علاوه اصول اصل یکصد و هفدهم (انتخاب رئیس جمهور)، اصل شصت و دوم (انتخابات مجلس شورای اسلامی)، اصل شصت و چهارم (نمایندگان منتخب اقلیت‌های دینی در مجلس)، اصل پنجاه و نهم (مراجعه به آرای عمومی) در مورد مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود از طریق انتخابات است. ذکر این نکته نیز ضروری است که به طور کلی همه

مقامات در جمهوری اسلامی از طرف مردم انتخاب می‌شوند، حال به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم مانند رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس اعضای مجلس خبرگان و غیرمستقیم همچون رهبر، رئیس‌قوة قضائیه و نخست‌وزیر در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ پیش از اصلاح. همچنین اعضای شوراهای شهر و روستا نیز با انتخاب مستقیم مردم برگزیده می‌شوند.

۳) آشنایی دانشجویان با آزادی‌های قانونی در درس قانون اساسی

از عوامل اصلی اینکه نظام سیاسی کشور توسعه‌یافته به شمار رود، وجود آزادی‌های اساسی در قانون اساسی آن کشور است. در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز این آزادی‌های اساسی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه در مبحث آزادی‌ها در مقدمه قانون اساسی، نخستین نکته‌ای برجسته به نظر می‌رسد، مطلب مربوط به آزادی زنان و رها کردن آنان از استثمار و سلطه است. (ر.ک: منصور، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۲) دیگر اصول مربوط به آزادی‌های اساسی در قانون اساسی عبارتند از: اصل دوازدهم (در مورد احترام به ادیان و مذاهب)، اصل سیزدهم (آزادی اقلیت‌های دینی رسمی)، اصل پانزدهم (استفاده از زبان‌های محلی)، اصل بیستم (برابری حقوقی افراد)، اصل بیست و دوم (مصونیت افراد از تعرض حقوق آنها)، اصل بیست و سوم (منع تفتیش عقاید)، اصل بیست و چهارم (آزادی مطبوعات)، اصل بیست و ششم (آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی)، اصل بیست و هفتم (آزادی برپایی اجتماعات)، اصل هشتاد و چهارم (آزادی اظهار نظر نمایندگان مجلس)، اصل هشتاد و ششم (مصونیت نمایندگان مجلس)، اصل یکصد و شصت و پنجم (محاکات علنی)، اصل یکصد و شصت و هشتم (حضور هیات منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعاتی)، اصل یکصد و هفتاد و پنجم (آزادی بیان و نشر افکار در صدا و سیما) و اصل یکصد و چهارم (آزادی تشکیل شوراهای دهقانان کارگران، کارمندان، مدیران و...)

۴) آشنایی دانشجویان با توزیع قدرت و استقلال قوا در درس قانون اساسی

یکی دیگر از مباحث به توسعه سیاسی در هر جامعه، به توزیع قدرت در میان نهادهای سیاسی و استقلال قوای حکومتی از یکدیگر مربوط می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این موارد بیان شده است به طوری که رهبری در بالا و در زیر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه به اجرای امور می‌پردازند که این سه از یکدیگر مستقل هستند. در این مورد، در صدر این اصول در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران، اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی بیان می دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آئینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می گردد.» (منصور، ۱۳۸۲: ۹۵) دیگر اصول مربوط به این مورد که دانشجویان با آن آشنا می شوند عبارت است از: اصل پنجم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ (درباره صفات رهبری)، اصل یکصد و سیزدهم (درباره شرایط رئیس جمهور)، اصل یکصد و بیست و دوم (مسئولیت رئیس جمهور)، اصل یکصد و بیست و سوم (الزام عمل رئیس جمهور به مصوبات مجلس)، اصل شصتم قانون اساسی ۱۳۵۸ (اعمال قوه مجریه)، اصل هشتاد و هفتم قانون اساسی ۱۳۵۸ (رای اعتماد مجلس به نخست وزیر و وزیران)، اصل یکصد و سی و هفتم (مسئولیت وزیران)، اصل یکصد و سی و پنجم (ایقاع وزیران)، اصل پنجاه و هشتم (اعمال قوه مقننه از طریق مجلس)، اصل یکصد و پنجاه و هفتم (شرایط رئیس قوه قضائیه)، اصل یکصد و شصتم (کارویژه وزیر دادگستری)، اصل یکصد و شصت و دوم (شرایط رئیس دیوان عالی کشور)، اصل یکصد و هفتاد و سوم (دیوان عدالت اداری)، اصل یکصد و هفتاد و چهارم (سازمان بازرسی کل کشور)، اصل یکصد و نهمین (تاسیس شوراها)، اصل یکصد و یکم و اصل یکصد و دوم و اصل یکصد و سوم (شرایط و وظایف شورای عالی استانها).

۵) آشنایی دانشجویان با ساز و کارهای حل معضلات نظام در درس قانون اساسی

یکی از عناصر اصلی نظام سیاسی توسعه یافته که منجر به مشارکت سیاسی در اثر اعتماد به نظام برای حل اختلافات عمده می شود، وجود روش های مسالمت آمیز برای حل اختلافات و منازعات به وجود آمده در نظام سیاسی است. نخستین مسأله در این رابطه، موضوع بازننگری در قانون اساسی است که امری بسیار مهم در موضوع توسعه سیاسی است، بر این اساس در اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی شرایط بازننگری در این قانون آمده است. (ر.ک: منصور، ۱۳۸۲: ۹۳-۹۲) از نکات مهم بازننگری در قانون اساسی که به مشارکت سیاسی مربوط می شود یکی این است که بیشتر افراد شورای بازننگری منتخب مردم هستند، برخی به صورت مستقیم چون رئیس جمهور، اعضای مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی و برخی به صورت غیرمستقیم همچون اعضای شورای نگهبان، رؤسای قوه مقننه و قوه قضائیه و ... دیگر اینکه این اصلاحات و بازننگری می باسد به همه پرسی گذارده شود و از طرق مردم

تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان

رای مثبت بیاورد. از دیگر اصول قانون اساسی در مورد بازنگری اصل یکصد و هفتاد و هفتم است. مسأله بعد در این مورد مربوط می‌شود به وظایف رهبر که عالی‌ترین مقام و فصل خطاب است که کلیه امور نظام را هدایت کرده و تعادل آن را نگاه می‌دارد، پس اجرای درست وظایف رهبری توسط وی موجب حل معضلات نظام به طریق قانونی می‌گردد و این وظایف اصل یکصد و دهم آمده است. از دیگر اصول مربوط به این مورد عبارتند از: اصل یکصد و یازدهم (شرایط برکناری رهبر)، اصل یکصد و دوازدهم (تاسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) و اصل یکصد و هشتم (شرایط مجلس خبرگان).

۴. مطالعه آماری تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان در

واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان هرمزگان

برای انجام مطالعه آماری با روش پیمایشی، نیاز بود که تعداد کل دانشجویان در واحدها و مراکز دانشگاه آزاد اسلامی در استان هرمزگان مشخص شود. این تعداد برابر ۳۸۹۱۷ نفر می‌باشد که در ۲۲ واحد و مرکز در حال تحصیل هستند. از این تعداد دانشجوی، تعداد ۱۸۳۷۱ نفر در مقطع کارشناسی (کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته) در حال تحصیل هستند که در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول تعداد دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته به تفکیک مرد و زن در سه گروه علوم

انسانی، علوم تجربی، فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی در استان هرمزگان

| گروه فنی و مهندسی | | | گروه تجربی | | | گروه انسانی | | | تعداد مرد و زن در گروه |
|-------------------|------|------|------------|-----|-----|-------------|------|------|----------------------------------------------|
| جمع | زن | مرد | جمع | زن | مرد | جمع | زن | مرد | مقطع |
| ۳۶۰۴ | ۱۲۷۴ | ۲۳۳۰ | ۱۰۸۹ | ۷۳۰ | ۳۵۹ | ۵۰۴۵ | ۲۵۲۲ | ۲۵۲۳ | تعداد کارشناسی |
| ۴۳۱۲ | ۹۹۵ | ۳۳۱۷ | ۱۵۰ | ۵۵ | ۹۵ | ۴۱۷۱ | ۲۲۶۵ | ۱۹۰۶ | تعداد کارشناسی ناپیوسته |
| ۷۹۱۶ | ۲۲۶۹ | ۵۶۴۷ | ۱۲۳۹ | ۷۸۵ | ۴۵۴ | ۹۲۱۶ | ۴۷۸۷ | ۴۲۳۱ | جمع کل کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته زن و مرد |
| ۹۷۳۸ | | | | | | | | | جمع کل سه گروه کارشناسی |
| ۸۶۳۳ | | | | | | | | | جمع کل سه گروه کارشناسی ناپیوسته |
| ۱۸۳۷۱ | | | | | | | | | جمع کل |

از این تعداد افراد نیاز بود که یک حجم نمونه تعیین شود و این حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۷۹ نفر تعیین شد. در این فرمول، حداکثر اشتباه مجاز (d) معادل ۰/۰۵، ضریب اطمینان ۰/۹۵، $t = 1/96$ و مقادیر p و q نیز هرکدام معادل ۰/۵ در نظر گرفته شد. لذا میان ۳۷۹ نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته از طریق محاسبه درصد آنها از کل که از طریق جدول بالا، پرسشنامه توزیع شد که از این تعداد، ۳۱۹ نفر پرسشنامه را به طور درست و قابل استفاده بازگرداندند و بنابراین تعداد حجم نمونه درست ۳۱۹ نفر تعیین شد. پرسشنامه مورد اشاره از ۲۴ پرسش تشکیل شده است که ۱۲ پرسش آن (پرسش‌های شماره ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳) مربوط به فرضیه فرعی اول و ۱۲ پرسش آن (پرسش‌های شماره ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴) مربوط به فرضیه فرعی دوم بود. پاسخ‌ها نیز بر اساس طیف پنج تایی لیکرت دسته بندی شده است. برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرانباخ استفاده شد. بدین صورت که پس از طراحی اولیه پرسشنامه و پرکردن آن توسط قسمتی (به تعداد ۲۵ تا) از جامعه مورد بررسی و وارد کردن داده‌های آن به نرم‌افزار SPSS ویرایش ۱۸، این نتیجه در جدول Reliability Statistics حاصل شد:

| تعداد پرسش‌ها | آلفای کرانباخ |
|---------------|---------------|
| ۲۴ | ۰/۸۶۳ |

از آنجا که مقدار آلفای کرانباخ برابر با عدد ۰/۸۶۳ شده است و بالای ۰/۷ می باشد، می‌توان گفت که سئوالات پرسشنامه از قابلیت اعتماد یا پایایی بالایی برخوردار است.

الف. تجزیه و تحلیل داده های عمومی پرسشنامه

جدول تعداد و درصد زنان و مردان حجم نمونه

| نوع | تعداد | درصد |
|--------|-------|--------|
| زن | ۱۲۷ | ۳۹/۸۱٪ |
| مرد | ۱۹۲ | ۶۰/۱۹٪ |
| جمع کل | ۳۱۹ | ۱۰۰٪ |

تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان

بر اساس جدول تعداد و درصد زنان و مردان حجم نمونه، تعداد ۱۲۷ زن یعنی ۳۹/۸۱ درصد و تعداد ۱۹۲ مرد یعنی ۶۰/۱۹ درصد از تعداد ۳۲۹ که به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده بودند، پرسشنامه های تحویلی را به طور درست بازگردانده اند و لذا از این حجم نمونه استفاده شده است. اما در مورد تعداد و درصد افراد حجم نمونه به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی، جدول زیر گویا است:

جدول تعداد افراد حجم نمونه به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی

| مرد | | زن | | مرد | | زن | | جنس |
|-------------------|-------|----------|-------|-------------------|-------|----------|-------|--------|
| کارشناسی ناپیوسته | | کارشناسی | | کارشناسی ناپیوسته | | کارشناسی | | مقطع |
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | گروه |
| ۲۴٪ | ۳۶ | ۲۶٪ | ۴۴ | ۲۴/۷٪ | ۳۷ | ۲۴/۹٪ | ۴۲ | انسانی |
| ۱/۳٪ | ۲ | ۴/۱٪ | ۷ | ۱/۳٪ | ۲ | ۶/۵٪ | ۱۱ | تجربی |
| ۴۰٪ | ۶۰ | ۲۵/۴٪ | ۴۳ | ۸/۷٪ | ۱۳ | ۱۳٪ | ۲۲ | فنی |

در حجم نمونه ۳۱۹ نفری، بر اساس جدول و نمودارهای تعداد و درصد افراد حجم نمونه به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی، در میان دانشجویان زن، در مقطع کارشناسی تعداد ۴۲ نفر یعنی ۲۴/۹٪ در گروه انسانی، تعداد ۱۱ نفر یعنی ۶/۵٪ در گروه تجربی و تعداد ۲۲ نفر یعنی ۱۳٪ در گروه فنی، در مقطع کارشناسی ناپیوسته تعداد ۳۷ نفر یعنی ۲۴/۷٪ در گروه انسانی، تعداد ۲ نفر یعنی ۱/۳٪ در گروه تجربی و تعداد ۱۳ نفر یعنی ۸/۷٪ در گروه فنی، و در میان دانشجویان مرد در مقطع کارشناسی تعداد ۴۴ نفر یعنی ۲۶٪ در گروه انسانی، تعداد ۷ نفر یعنی ۴/۱٪ در گروه تجربی و تعداد ۴۳ نفر یعنی ۲۵/۴٪ در گروه فنی، و در مقطع کارشناسی ناپیوسته تعداد ۳۶ نفر یعنی ۲۴٪ در گروه انسانی، تعداد ۲ نفر یعنی ۱/۳٪ در گروه تجربی و تعداد ۶۰ نفر یعنی ۴۰٪ در گروه فنی، مشغول تحصیل هستند.

ب. تجزیه و تحلیل فرضیه‌های دوگانه مطرح شده در پرسشنامه

در این بخش به تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. این کار با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون

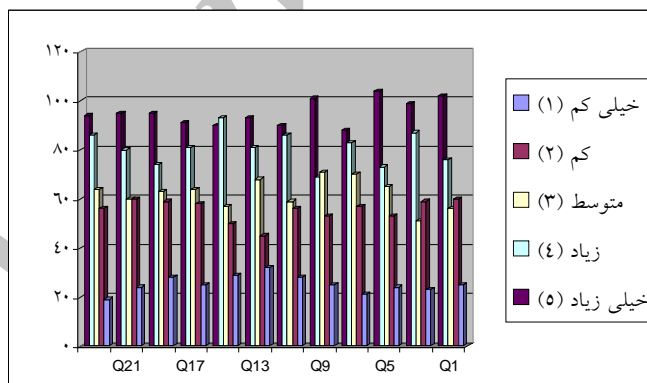
همبستگی R پیرسون انجام می‌شود. اما ابتدا آمار توصیفی برای فرضیه فرعی اول و فرضیه فرعی دوم ارائه می‌شود.

(۱) آمار توصیفی برای فرضیه‌های فرعی اول و دوم

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های فرضیه فرعی اول

| شماره سوال | خیلی کم (۱) | | کم (۲) | | متوسط (۳) | | زیاد (۴) | | خیلی زیاد (۵) | |
|------------|-------------|-------|--------|-------|-----------|-------|----------|-------|---------------|-------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد |
| Q1 | ۷/۸ | ۲۵ | ۱۸/۸ | ۶۰ | ۱۷/۶ | ۵۶ | ۱۷/۶ | ۷۶ | ۲۳/۸ | ۱۰۲ |
| Q3 | ۷/۲ | ۲۳ | ۱۸/۵ | ۵۹ | ۱۶ | ۵۱ | ۱۶ | ۸۷ | ۲۷/۳ | ۹۹ |
| Q5 | ۷/۵ | ۲۴ | ۱۶/۶ | ۵۳ | ۲۰/۴ | ۶۵ | ۲۰/۴ | ۷۳ | ۲۲/۹ | ۱۰۴ |
| Q7 | ۶/۶ | ۲۱ | ۱۷/۹ | ۵۷ | ۲۱/۹ | ۷۰ | ۲۱/۹ | ۸۳ | ۲۶ | ۸۸ |
| Q9 | ۷/۸ | ۲۵ | ۱۶/۶ | ۵۳ | ۲۲/۳ | ۷۱ | ۲۲/۳ | ۶۹ | ۲۱/۶ | ۱۰۱ |
| Q11 | ۸/۸ | ۲۸ | ۱۷/۶ | ۵۶ | ۱۸/۵ | ۵۹ | ۱۸/۵ | ۸۶ | ۲۷ | ۹۰ |
| Q13 | ۱۰ | ۳۲ | ۱۴/۱ | ۴۵ | ۲۱/۳ | ۶۸ | ۲۱/۳ | ۸۱ | ۲۵/۴ | ۹۳ |
| Q15 | ۹/۱ | ۲۹ | ۱۵/۷ | ۵۰ | ۱۷/۹ | ۵۷ | ۱۷/۹ | ۹۳ | ۲۹/۲ | ۹۰ |
| Q17 | ۷/۸ | ۲۵ | ۱۸/۲ | ۵۸ | ۲۰/۱ | ۶۴ | ۲۰/۱ | ۸۱ | ۲۵/۴ | ۹۱ |
| Q19 | ۸/۸ | ۲۸ | ۱۸/۵ | ۵۹ | ۱۹/۷ | ۶۳ | ۱۹/۷ | ۷۴ | ۲۳/۲ | ۹۵ |
| Q21 | ۷/۵ | ۲۴ | ۱۸/۸ | ۶۰ | ۱۸/۸ | ۶۰ | ۱۸/۸ | ۸۰ | ۲۵/۱ | ۹۵ |
| Q23 | ۶ | ۱۹ | ۱۷/۶ | ۵۶ | ۲۰/۱ | ۶۴ | ۲۰/۱ | ۸۶ | ۲۷ | ۹۴ |

نمودار توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های فرضیه فرعی اول



جدول توزیع فراوانی تعداد و درصد موافقین، ممتنعین و مخالفین فرضیه فرعی اول

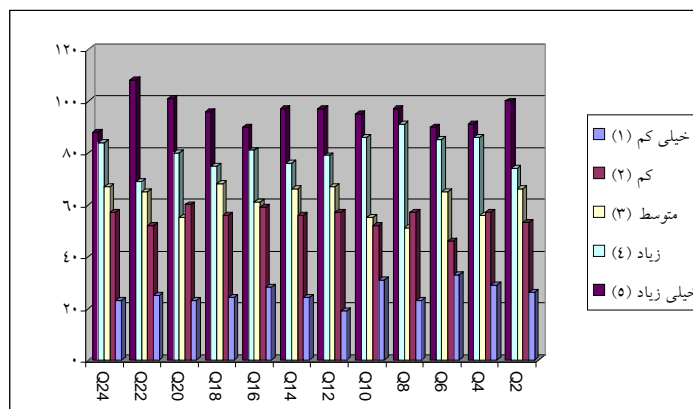
| درصد تجمیعی Cumulative Percent | درصد داده های معتبر هر طبقه Valid Percent | درصد داده های هر طبقه Percent | فراوانی هر طبقه Frecuency | معتبر Valid |
|--------------------------------------|-------------------------------------------------|-------------------------------------|------------------------------|----------------|
| ۲۱/۹٪ | ۲۱/۹٪ | ۲۱/۹٪ | ۷۰ | مخالف |
| ۲۱/۳٪ | ۲۱/۳٪ | ۲۱/۳٪ | ۶۸ | ممتنع |
| ۵۶/۷٪ | ۵۶/۷٪ | ۵۶/۷٪ | ۱۸۱ | موافق |
| ۱۰۰٪ | ۱۰۰٪ | ۱۰۰٪ | ۳۱۹ | کل |

بر اساس جدول توزیع فراوانی تعداد و درصد موافقین (سطح نمره ۶۰-۴۹)، ممتنعین (سطح نمره ۴۸-۲۹) و مخالفین (سطح نمره ۲۸-۱۲) فرضیه فرعی اول، تعداد ۱۸۱ نفر یعنی ۵۶/۷ درصد از پاسخگویان پرسش‌های موافق فرضیه فرعی مطرح شده اول و تعداد ۶۸ نفر یعنی ۲۱/۳ درصد از پاسخگویان، رای ممتنع نسبت به فرضیه فرعی اول داشته‌اند و تعداد ۷۰ نفر یعنی ۲۱/۹ درصد از پاسخگویان، مخالف فرضیه فرعی اول بوده‌اند.

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های فرضیه فرعی دوم

| شماره سوال | خیلی کم (۱) | | کم (۲) | | متوسط (۳) | | زیاد (۴) | | خیلی زیاد (۵) | |
|---------------|-------------|-------|--------|-------|-----------|-------|----------|-------|---------------|-------|
| | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد |
| Q2 | ۸/۲ | ۲۶ | ۱۶/۶ | ۵۳ | ۲۰/۷ | ۶۶ | ۲۳/۲ | ۷۴ | ۳۱/۳ | ۱۰۰ |
| Q4 | ۹/۱ | ۲۹ | ۱۷/۹ | ۵۷ | ۱۷/۶ | ۵۶ | ۲۷ | ۸۶ | ۲۸/۵ | ۹۱ |
| Q6 | ۱۰/۳ | ۳۳ | ۱۴/۴ | ۴۶ | ۲۰/۴ | ۶۵ | ۲۶/۶ | ۸۵ | ۲۸/۲ | ۹۰ |
| Q8 | ۷/۲ | ۲۳ | ۱۷/۹ | ۵۷ | ۱۶ | ۵۱ | ۲۸/۵ | ۹۱ | ۳۰/۴ | ۹۷ |
| Q10 | ۹/۷ | ۳۱ | ۱۶/۳ | ۵۲ | ۱۷/۲ | ۵۵ | ۲۷ | ۸۶ | ۲۹/۸ | ۹۵ |
| Q12 | ۶ | ۱۹ | ۱۷/۹ | ۵۷ | ۲۱ | ۶۷ | ۲۴/۸ | ۷۹ | ۳۰/۴ | ۹۷ |
| Q14 | ۷/۵ | ۲۴ | ۱۷/۶ | ۵۶ | ۲۰/۷ | ۶۶ | ۲۳/۸ | ۷۶ | ۳۰/۴ | ۹۷ |
| Q16 | ۸/۸ | ۲۸ | ۱۸/۵ | ۵۹ | ۱۹/۱ | ۶۱ | ۲۵/۴ | ۸۱ | ۲۸/۲ | ۹۰ |
| Q18 | ۷/۵ | ۲۴ | ۱۷/۶ | ۵۶ | ۲۱/۳ | ۶۸ | ۲۳/۵ | ۷۵ | ۳۰/۱ | ۹۶ |
| Q20 | ۷/۲ | ۲۳ | ۱۸/۸ | ۶۰ | ۱۷/۲ | ۵۵ | ۲۵/۱ | ۸۰ | ۳۱/۷ | ۱۰۱ |
| Q22 | ۷/۸ | ۲۵ | ۱۶/۳ | ۵۲ | ۲۰/۴ | ۶۵ | ۲۱/۶ | ۶۹ | ۳۳/۹ | ۱۰۸ |
| Q24 | ۷/۲ | ۲۳ | ۱۷/۹ | ۵۷ | ۲۱ | ۶۷ | ۲۶/۳ | ۸۴ | ۲۷/۶ | ۸۸ |

نمودار توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گویه‌های فرضیه فرعی دوم



جدول توزیع فراوانی تعداد و درصد موافقین، ممتنعین و مخالفین فرضیه فرعی دوم

| درصد تجمیعی Cumulative Percent | درصد داده های معتبر هر طبقه Valid Percent | درصد داده های هر طبقه Percent | فراوانی هر طبقه Frequency | معتبر Valid |
|--------------------------------------|-------------------------------------------------|-------------------------------------|------------------------------|----------------|
| ۲۲/۹٪ | ۲۲/۹٪ | ۲۲/۹٪ | ۷۳ | مخالف |
| !!۲۰/۴٪ | !!۲۰/۴٪ | !!۲۰/۴٪ | ۶۵ | ممتنع |
| ۵۶/۷٪ | ۵۶/۷٪ | ۵۶/۷٪ | ۱۸۱ | موافق |
| ۱۰۰٪ | ۱۰۰٪ | ۱۰۰٪ | ۳۱۹ | کل |

بر اساس جدول توزیع فراوانی تعداد و درصد موافقین (سطح نمره ۶۰-۴۹)، ممتنعین (سطح نمره ۴۸-۲۹) و مخالفین (سطح نمره ۲۸-۱۲) فرضیه فرعی دوم، تعداد ۱۸۱ نفر یعنی ۵۶/۷۴ درصد از پاسخگویان، موافق فرضیه فرعی مطرح شده دوم و تعداد ۶۵ نفر یعنی ۲۰/۳۸ درصد از پاسخگویان، رای ممتنع نسبت به فرضیه فرعی دوم داشته اند و تعداد ۷۳ نفر یعنی ۲۲/۸۸ درصد از پاسخگویان، مخالف فرضیه فرعی دوم بوده‌اند.

۲) آمار استنباطی از طریق آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه‌های فرعی اول و دوم

هرگاه محقق با یک گروه از افراد و با یک متغیر عددی رو به رو باشد و بخواهد بداند آیا میانگین این متغیر برابر یک عدد خاص است یا خیر و یا از عدد خاصی بزرگ‌تر (یا کوچکتر) است یا خیر، از این آزمون t تک نمونه‌ای استفاده می‌کند که از جمله آزمون‌های میانگین می‌باشد. (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۸۶: ۶۸) در اینجا نیز محقق می‌خواهد «فرضیه‌های فرعی اول و دوم» را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهد. از آنجایی ۱۲ سؤال مربوط به هر فرضیه است، لذا می‌توان گفت که حداکثر نمره‌ای که یک فرد می‌تواند از مجموع این سؤالات کسب کند، ۶۰ و حداقل آن ۱۲ است. لذا مقدار میانگین این دو نمره، یعنی ۳۶، را می‌توان به عنوان نقطه برش در نظر گرفت. بنابراین اگر میانگین نمره افراد به طور معنی‌داری بیشتر از این عدد باشد، فرضیه قبول، و در غیر این صورت رد می‌شود. برای این کار دو فرضیه H_0 و H_1 به صورت زیر تنظیم شده است:

H_1 : میانگین نمره پاسخگویان برابر یا بیشتر از ۳۶ است.

H_0 : میانگین نمره پاسخگویان کمتر از ۳۶ است.

الف) آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی اول

جدول اول آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی اول

| خطای معیار میانگین Std. Error Mean | انحراف معیار Std. Deviation | میانگین Mean | تعداد N | |
|---------------------------------------|--------------------------------|-----------------|------------|------------|
| ۰/۷۴۹۰۴ | ۱۳/۳۷۸۲۶ | ۴۲/۲۱۰۰ | ۳۱۹ | جمع sum |

این جدول، آمار توصیفی مربوط به آزمون فرضیه اول را ارائه می‌کند و اعداد محاسبه شده به ترتیب تعداد داده‌ها، میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین را نشان می‌دهد. نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که مقدار میانگین یعنی ۴۲/۲۱۰۰، از ۳۶ بزرگتر است، ولی این موضوع باید از طریق آمار استنباطی (آزمون فرض یا فاصله اطمینان) در جدول بعدی تایید شود.

جدول دوم آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی اول

| دقت ۹۵٪ %95 Confidence Interval of the Difference | | میانگین نمونه Mean Difference | معنی داری Sig (2-tailed) P-Vale | درجه آزادی df | مقدار آماره t | جمع sum |
|---------------------------------------------------------|-------------------|-------------------------------------|---------------------------------------|---------------------|------------------|------------|
| حد بالا Upper | حد پایین Lower | | | | | |
| ۲/۶۸۳۷ | -۱/۷۳۶۳ | ۲/۲۱۰۰ | ۰/۴۲۱ | ۳۱۸ | -۰/۲۹۱ | |

این جدول، مربوط به آمار استنباطی است و نتایج آزمون فرضیه اول را نشان می‌دهد. بر اساس مقادیر جدول، مقدار آماره t برابر $-۰/۲۹۱$ و درجه آزادی برابر ۳۱۸ است و سطح معنی داری $۰/۴۲۱$ می‌باشد. از آنجایی که سطح معنی داری بیشتر از $۰/۰۵$ است (زیرا دقت $۰/۹۵$ است) لذا با توجه به اینکه این مقدار از آماره t یعنی $-۰/۲۹۱$ بیشتر است، می‌توان فرض H_0 را در سطح $۰/۰۵$ رد کرد و فرض H_1 را پذیرفت. لذا می‌توان گفت که نمونه افراد به طور معنی‌داری بیشتر از عدد ۳۶ است. لذا فرضیه را در سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ پذیرفته می‌شود. این نتایج از جدول فراوانی و نمودار ستونی پیشین نیز مشهود است، پس فرضیه اول تایید می‌شود.

ب) آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی دوم

جدول اول آزمون t تک نمونه‌ای برای فرضیه فرعی دوم

| خطای معیار میانگین Std. Error Mean | انحراف معیار Std. Deviation | میانگین Mean | تعداد N | جمع sum |
|---------------------------------------|--------------------------------|-----------------|------------|------------|
| ۰/۷۵۳۵۴ | ۱۳/۴۵۸۶۳ | ۴۲/۲۳۲۰ | ۳۱۹ | |

این جدول، آمار توصیفی مربوط به آزمون فرضیه اول را ارائه می‌کند و اعداد محاسبه شده به

تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان

ترتیب تعداد داده ها، میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین را نشان می دهد. نتایج آمار توصیفی نشان می دهد که مقدار میانگین یعنی $42/2320$ ، از 36 بزرگتر است، ولی این موضوع باید از طریق آمار استنباطی (آزمون فرض یا فاصله اطمینان) در جدول بعدی تایید شود.

جدول دوم آزمون t تک نمونه ای برای فرضیه فرعی دوم

| دقت ۹۵٪ %95 Confidence Interval of the Difference | | میانگین نمونه Mean Difference | معنی داری Sig (2-tailed) P-Value | درجه آزادی df | مقدار آماره t | |
|---------------------------------------------------------|-------------------|-------------------------------------|----------------------------------------|---------------------|------------------|------------|
| حد بالا Upper | حد پایین Lower | | | | | جمع sum |
| ۲/۷۱۴۵ | -۱/۷۴۹۴ | ۲/۲۳۱۹۵ | ۰/۳۸۷ | ۳۱۸ | -۰/۲۷۳ | |

این جدول، مربوط به آمار استنباطی است و نتایج آزمون فرضیه اول را نشان می دهد. بر اساس مقادیر جدول، مقدار آماره t برابر $-0/273$ و درجه آزادی برابر 318 است و سطح معنی داری $0/387$ می باشد. از آنجایی که سطح معنی داری بیشتر از $0/05$ است (زیرا دقت $0/95$ است) لذا با توجه به اینکه این مقدار از آماره t یعنی $-0/273$ بیشتر است، می توان فرض H_0 را در سطح $0/05$ رد کرد و فرض H_1 را پذیرفت. لذا می توان گفت که نمره افراد به طور معنی داری بیشتر از عدد 36 است. لذا فرضیه را در سطح معنی داری $0/05$ پذیرفته می شود. این نتایج از جدول فراوانی و نمودار ستونی پیشین نیز مشهود است. پس فرضیه اول تایید می شود.

۳) ضریب همبستگی پیرسون برای فرضیه های فرعی اول و دوم

پژوهشگران غالباً خواهان اندازه گیری میزان ارتباط بین دو متغیر هستند که این کار از طریق آزمون های همبستگی صورت می گیرد. کارهای اولیه در مورد همبستگی توسط فرانسویس گالتون صورت گرفت و یکی از همکاران او به نام پیرسون شیوه ای برای محاسبه ضریب همبستگی بین داده های

پارامتری ابداع کرد به نام ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون که به اختصار R پیرسون نامیده می‌شود. هنگامی که یکی از متغرها یا هر دوی آنها فاصله‌ای یا نسبی نباشند و یا اگر داده‌ها دو پیش فرض ضروری برای استفاده از آزمون‌های پارامتری را برآورده نسازند، آزمونی غیرپارامتری مانند همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار می‌گیرد. (بریس و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۱۵) در آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی به دست آمده عددی بین ۱ تا -۱ می‌باشد، اگر عدد به دست آمده ۱ باشد یعنی همبستگی به صورت مستقیم به صورت کامل است، اگر این عدد ۰ باشد به این معنی است که دو متغیر مستقل از یکدیگر بوده و هیچ وابستگی به یکدیگر ندارند و اگر این عدد -۱ را نشان دهد، یعنی همبستگی به صورت معکوس و به صورت کامل می‌باشد.

جدول آزمون ضریب همبستگی R پیرسون برای دو فرضیه‌های فرعی اول و دوم

| همبستگی ها!!!!!!Correlations! | | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------|---------------------|----------------|
| جمع فرضیه دوم Sum f2 | جمع فرضیه اول Sum f1 | | |
| ۰/۹۶۰ | ۱ | Pearson Correlation | همبستگی پیرسون |
| ۰/۰۰۰ | | Sig (2-tailed) | معنی داری |
| ۳۱۹ | ۳۱۹ | N | تعداد |
| | | Sum f1 | |
| ۱ | ۰/۹۶۰ | Pearson Correlation | همبستگی پیرسون |
| | ۰/۰۰۰ | Sig (2-tailed) | معنی داری |
| ۳۱۹ | ۳۱۹ | N | تعداد |
| | | Sum f2 | |
| همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است (Correlations is significant at the 0.01 level (2-tailed)) | | | |

چنانچه از جدول مشخص است آزمون همبستگی از طریق آزمون همبستگی پیرسون در سطح ۰/۰۱ معنی دار است چرا که میزان معنی داری به دست آمده یا sig برابر ۰/۰۰۰ است به عبارت دیگر نتیجه با ضریب اطمینان ۹۹٪ قابل پذیرش می‌باشد. اما میزان خود همبستگی برابر ۰/۹۶۰ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و قوی میان فرضیه فرعی اول و فرضیه فرعی دوم است، چرا که عدد به

دست آمده یعنی ۰/۹۶۰ مثبت می‌باشد، به عبارت دیگر میان آموزش درس قانون اساسی به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان هرمزگان و مشارکت سیاسی آنان رابطه مستقیم و قوی همبستگی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

برای بررسی موضوع این پژوهش که با روش توصیفی و پیمایشی انجام شد و سوال اصلی آن عبارت بود از: «آموزش درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های استان هرمزگان به چه میزان بر افزایش مشارکت سیاسی آنها به صورت رسمی و غیررسمی تاثیر گذارده است؟» در و پاسخ به این پرسش این فرضیه نیز مدنظر قرار گرفته بود که «آموزش درس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از طریق آشنایی دادن دانشجویان با حق حاکمیت مردم، انتخابات و ویژگی‌های آن، آزادی‌ها، توزیع قدرت، استقلال قوا و ساز و کارهای حل معضلات نظام در قانون اساسی موجب شده است تا مشارکت سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های استان هرمزگان در نهادهای رسمی مشارکت سیاسی همچون انتخابات و احزاب، مشارکت و نهادهای غیررسمی مشارکت سیاسی همچون تجمعات و گروه‌های سیاسی قانونی افزایش یابد.» دو فرضیه فرعی نیز تهیه شد. در بخش توصیفی مقاله، مقدمه شامل بیان مساله، روش مطالعه، پرسش و فرضیه اصلی و...، مبانی نظری حول دو محور توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی و تاریخچه پژوهش درباره انقلاب اسلامی و مشارکت سیاسی ارایه گردید و سپس در آزمون فرضیه در دو بخش جداگانه، یکی، آنچه در درس قانون اساسی به دانشجویان آموزش داده می‌شود که حول محورهای آشنایی دانشجویان با تغییرات بنیادین در ایده حقوقی حاکم بر جامعه، ساختار نظام جمهوری اسلامی، و اصول ناظر بر مشارکت سیاسی در قانون اساسی که خود شامل حاکمیت مردم، انتخابات، آزادی‌های قانونی، توزیع قدرت و استقلال قوا، و ساز و کارهای حل معضلات نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی، و دیگری مطالعه آماری به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته شد. بر اساس نتایج به دست آمده از طریق تجزیه و تحلیل آماری، به طور کلی در حجم نمونه ۳۱۹ نفری، به تفکیک جنسیت، مقطع تحصیلی و گروه تحصیلی، در میان دانشجویان زن، در مقطع کارشناسی تعداد ۴۲ نفر یعنی ۲۴/۹٪ در گروه انسانی، تعداد

۱۱ نفر یعنی ۶/۵٪ در گروه تجربی و تعداد ۲۲ نفر یعنی ۱۳٪ در گروه فنی، در مقطع کارشناسی ناپیوسته تعداد ۳۷ نفر یعنی ۲۴/۷٪ در گروه انسانی، تعداد ۲ نفر یعنی ۱/۳٪ در گروه تجربی و تعداد ۱۳ نفر یعنی ۸/۷٪ در گروه فنی، و در میان دانشجویان مرد در مقطع کارشناسی تعداد ۴۴ نفر یعنی ۲۶٪ در گروه انسانی، تعداد ۷ نفر یعنی ۴/۱٪ در گروه تجربی و تعداد ۴۳ نفر یعنی ۲۵/۴٪ در گروه فنی، و در مقطع کارشناسی ناپیوسته تعداد ۳۶ نفر یعنی ۲۴٪ در گروه انسانی، تعداد ۲ نفر یعنی ۱/۳٪ در گروه تجربی و تعداد ۶۰ نفر یعنی ۴۰٪ در گروه فنی، مشغول تحصیل هستند. در آمار توصیفی برای فرضیه فرعی اول بر اساس گویه‌های شماره ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳، مشخص شد که تعداد ۱۸۱ نفر یعنی ۵۶/۷ درصد از پاسخگویان، موافق فرضیه مطرح شده اول و تعداد ۶۸ نفر یعنی ۲۱/۳ درصد از پاسخگویان، رای ممتنع نسبت به فرضیه اول داشته‌اند و تعداد ۷۰ نفر یعنی ۲۱/۹ درصد از پاسخگویان، مخالف این فرضیه بوده‌اند. در آمار استنباطی برای فرضیه فرعی اول، نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که مقدار میانگین یعنی ۴۲/۲۱۰۰، از ۳۶ بزرگتر است، ولی این موضوع باید از طریق آزمون فرض یا فاصله اطمینان نیز تایید می‌شود، با انجام این آزمون مشخص شد که مقدار آماره t برابر $-۰/۲۹۱$ و درجه آزادی برابر ۳۱۸ است و سطح معنی داری $۰/۴۲۱$ می‌باشد. از آنجایی که سطح معنی داری بیشتر از $۰/۰۵$ است (زیرا دقت $۰/۰۹۵$ بود)، معلوم شد که نمره افراد به طور معنی‌داری بیشتر از عدد ۳۶ است. لذا فرضیه فرعی اول را در سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ پذیرفته شد.

در آمار توصیفی برای فرضیه فرعی دوم بر اساس گویه‌های شماره‌های ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲ و ۲۴، تعداد ۱۸۱ نفر یعنی ۵۶/۷۴ درصد از پاسخگویان، موافق فرضیه مطرح شده دوم و تعداد ۶۵ نفر یعنی ۲۰/۳۸ درصد از پاسخگویان، رای ممتنع نسبت به فرضیه دوم داشته‌اند و تعداد ۷۳ نفر یعنی ۲۲/۸۸ درصد از پاسخگویان، مخالف فرضیه فرعی دوم بوده‌اند. در آمار استنباطی برای فرضیه فرعی دوم، نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که مقدار میانگین یعنی ۴۲/۲۳۲۰، از ۳۶ بزرگتر است، ولی این موضوع باید از طریق آزمون فرض یا فاصله اطمینان نیز تایید می‌شود، با انجام این آزمون مشخص شد که مقدار آماره t برابر $-۰/۲۷۳$ و درجه آزادی برابر ۳۱۸ است و سطح معنی داری $۰/۳۸۷$ می‌باشد. از آنجایی که سطح معنی داری بیشتر از $۰/۰۵$ است (زیرا دقت $۰/۰۹۵$ است)، معلوم شد که نمره افراد به طور معنی‌داری بیشتر از عدد ۳۶ است. لذا فرضیه فرعی دوم را در سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ پذیرفته شد.

اما در آمار استنباطی فرضیه فرعی اول و فرضیه فرعی دوم، چنانکه گفته شد از آزمون آزمون ضریب همبستگی R پیرسون استفاده شد. در آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی به دست آمده عددی بین ۱ تا -۱ می باشد، اگر عدد به دست آمده ۱ باشد یعنی همبستگی به صورت مستقیم به صورت کامل است، اگر این عدد ۰ باشد به این معنی است که دو متغیر مستقل از یکدیگر بوده و هیچ وابستگی به یکدیگر ندارند و اگر این عدد -۱ را نشان دهد، یعنی همبستگی به صورت معکوس و به صورت کامل می باشد. با انجام آزمون همبستگی پیرسون برای این دو فرضیه فرعی مشخص شد که همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است، چرا که میزان معنی داری به دست آمده یا sig برابر ۰/۰۰۰ است به عبارت دیگر نتیجه با ضریب اطمینان ۹۹٪ قابل پذیرش می باشد. اما میزان خود همبستگی برابر ۰/۹۶۰ است که نشان دهنده رابطه مستقیم و قوی میان فرضیه فرعی اول و فرضیه فرعی دوم است، چرا که عدد به دست آمده یعنی ۰/۹۶۰ مثبت می باشد، به عبارت دیگر میان آموزش درس قانون اساسی به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ناپیوسته دانشگاه های آزاد اسلامی استان هرمزگان و مشارکت سیاسی آنان رابطه مستقیم و قوی همبستگی وجود دارد. البته نباید از شکل و طریقه آموزش این درس در میان دانشجویان کارشناسی این استان نیز غافل شد، زیرا ممکن است، فرآیند آموزش بر آمار به دست آمده تاثیرگذار باشد، اما اگر این فرآیند آموزش را به صورت استاندارد، همچنان که در دیگر واحدها انجام می شود در نظر گرفت، می توان از دخالت این متغیر میانجی چشم پوشی کرد، نکته دیگر اینکه چون انتخابات به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به صورت مخفی برگزار می شود، لذا امکان سنجش نتایج به دست آمده در این تحقیق را نمیتوان از طریق آمارهای موجود انتخاباتی استان هرمزگان مورد سنجش قرار داد و خارج از اعتماد به پاسخ دانشجویان به فرضیه های این تحقیق، این پژوهش را مورد تایید قرار داد. به این ترتیب و با این توضیحات می توان گفت که فرضیه اصلی پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است.

منابع فارسی

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۵)، **میانی سیاست**، تهران: انتشارات توس، چاپ سوم.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۹)، **درآمدی بر نظام‌های سیاسی مقایسه‌ای**، تهران: آوای نور.
- بدیع، برتران (۱۳۷۶)، **توسعه سیاسی**، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قوس.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، **جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران**، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، **آموزش دانش سیاسی**، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱) **دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران؛ دوره جمهوری اسلامی**، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بریس، نیکلا، ریچارد کمپ و رزمی سنلگار (۱۳۹۲)، **تحلیل داده‌های روانشناسی با برنامه SPSS**، ترجمه خدیجه علی آبادی و سید علی صمدی، تهران: نشر دوران.
- حسینی قائم مقامی، سیدعباس (۱۳۷۹)، **قدرت و مشروعیت**، تهران: مؤسسه انتشارات سوره.
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۷)، «علل و عوامل پیروزی انقلاب ایران»، علیرضا ارغندی و دیگران، **حدیث انقلاب**، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، **مقاومت‌سکننده**، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ چهارم.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، **نظریه‌پردازی انقلاب‌ها**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- کدی، نیکی آر. (۱۳۸۳)، **نتایج انقلاب ایران**، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- ملکوتیان، مصطفی و دیگران (۱۳۷۸)، **انقلاب اسلامی ایران**، قم: دفتر نشر معارف، چاپ بیست و دوم.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۲)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ چهاردهم.

_____ تاثیر آموزش درس قانون اساسی بر مشارکت سیاسی دانشجویان استان هرمزگان ◇

- مومنی، منصور و علی فعال قیومی (۱۳۸۶)، *تحلیل داده‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران: کتاب نو.

- نجفی اسفاد، مرتضی و فرید محسنی (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی و انتشارات فردا فردا، چاپ چهارم.

- وثوقی، منصور و عبدالرسول هاشمی (۱۳۸۲)، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران: مطالعه موردی روستاهای حومه بوشهر: چاه کوتان، ابطویل، تل اشکی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱.

English Source

- Berkeley, S. (1996), **People First, A guide to Self - Reliant - Parties Datary Rural Development**, London: Zed book.

- Coleman, James 91983), **The Development Syndrome**, New York: Hang.

- Huntington, Samuel (1970), **No Easy Choirs: Political Participate: in Per Eloping Countries**, Cambridge: Cambridge University Press.

- Sills, David (1968), **Hemlock Political Participation (EP) International Encyclopedia of the Social Sciences**, Vol. 12-13, New York: McMillan Company and Free Press.